



دانشگاه قم

دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

تصویر گری معصومین علیهم السلام از منظر فقه

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد حیدری

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد علی راغبی

نگارنده:

مرتضی خوشنویس زاده اصفهانی

بهمن ماه ۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکر و قدردانی:

پس از حمد و سپاس از خداوند منان که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود، بر خود لازم می دانم از اساتید دوره دکتری که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

همچنین به صورت ویژه از استاد راهنمای این تحقیق جناب آقای حجت الاسلام و المسلمین دکتر حیدری ، و استاد مشاور جناب آقای حجت الاسلام و المسلمین دکتر راغبی و مدیر محترم گروه جناب آقای حجت الاسلام و المسلمین دکتر نوذری نهایت تشکر و سپاسگزاری را داشته و توفیق بیش از پیش این عزیزان را از خدای متعال خواستارم.

چکیده:

آشنا کردن عموم مردم با زندگی پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام از مهمترین مصادیق تبلیغ دین به حساب می آید و این آشنایی در هر زمانی باید با لحاظ مقتضیات آن دوره صورت پذیرد، رایج ترین روش در معرفی هر شخصیت در عصر حاضر تولید محصولات رسانه ای از جمله فیلم و سریال است لذا اصل فیلم سازی درباره زندگی معصومین ضرورتی غیرقابل انکار است اما اینکه در این تولیدات آیا جایز است به نمایش مستقیم تصویر معصومین اقدام نمود و یا لزوم تولیدات رسانه ای درباره معصومین ضرورتاً موجب جواز ارائه تصویر و بازیگری در نقش ایشان نیست، مسئله ای است که جای تحقیق دارد. برای یافتن پاسخ این پرسش صرفاً باید به سراغ علم فقه (که پاسخگویی به چیستی حکم همه افعال مکلفین را بر عهده دارد) رفت تا با طی مراحل فنی فقهی جواز یا عدم جواز نمایش تصویر معصومین در فیلم و سریال مشخص شود. مخالفین و موافقین نمایش چهره معصومین و بازیگری در نقش ایشان در فیلم و سینما ادله ای را برای مدعای خویش ارائه داده اند؛ در این تحقیق پس از بحث درباره کلیاتی از فقه رسانه، برای اولین بار تلاش شده است تا ادله ارائه شده طرفین در قالب فقه تمام استدلالی مورد بررسی قرار گیرد. عمده ترین دلیل مخالفین نمایش تصویر معصومین این است که این نمایش مستلزم به ایشان خواهد بود؛ در این تحقیق بعد از بررسی تفصیلی ادله حرمت هتک در منابع فقه، درباره اینکه آیا تعریف هتک و پس از تعریف تطبیق آن بر مصادیق بر عهده مکلف است یا مجتهد تحقیق شده است و از مجموع آنچه گذشت این نتیجه حاصل شده که نمایش تصویر معصومین در فیلم و سینما در صورتی که از نظر عرف خاص متشرعه (که فقط از راه نظرسنجی معتبر کشف می گردد) موجب هتک نسبت به ساحت مقدس معصومین نباشد، جایز می باشد.

کلمات کلیدی: تصویرگری، بازیگری، معصومین، هتک و وهن

فهرست

مقدمه.....	۱
تبیین طرح.....	۱
ضرورت طرح.....	۳
یرسش های تحقیق.....	۴
پیشینه تحقیق.....	۵
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۸
۱-۱- تعریف مفاهیم.....	۸
۱-۱-۱. وهن.....	۱۰
۱-۱-۲. تصویرگری.....	۱۱
۱-۱-۳. موضوع.....	۱۳
۱-۱-۴. عرف.....	۱۴
۱-۱-۵. سایر مفاهیم مرتبط.....	۱۷
۲-۱. حکم فقهی نگارگری و مجسمه سازی.....	۱۸
۱-۲-۱. تصویرگری غیر جانداران.....	۱۹
۲-۲-۱. تصویرگری جانداران.....	۲۰

۲۵	۳-۲-۱. نقاشی انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام.....
۲۷	۳-۱. فقه رسانه.....
۲۷	۱-۳-۱. ضرورت بهره گیری از رسانه.....
۳۲	۱-۳-۲. جنبه فقهی رسانه.....
۳۴	۱-۳-۳. تأثیر رویکرد کلی فقیه در فقه رسانه.....
۳۸	۱-۳-۴. ضرورت فقه رسانه.....
۳۹	۱-۳-۵. تبلیغ رسانه‌ای نوین ترین روش تبلیغ دینی.....
۴۰	انسانی بودن رسانه.....
۴۰	گسترده‌گی اثرات رسانه.....
۴۱	تضعیف و تقویت دین بر اثر رسانه.....
۴۲	۱-۳-۶. اثر رسانه بر فرد و جامعه.....
۴۳	۱-۳-۷. نوع نگرش به فقه رسانه.....
۴۴	نگرش فردی به رسانه.....
۴۴	نگرش حداقلی.....
۴۵	نگرش حداکثری.....
۴۶	۱-۳-۸. مراحل فقه رسانه.....
۴۶	شناخت موضوع.....
۴۷	نظریه پردازی کلان در عرصه رسانه.....
۴۸	ارائه ی نظریه ی فقهی.....
۴۹	ارائه ی احکام فقهی.....
۵۱	فصل دوم: بررسی ادله فقهی حکم بازیگری در نقش معصومین.....
۵۱	۱-۲. ادله حرمت بازیگری در نقش معصومین.....
۵۱	۲-۱-۱. هتک حرمت.....
۵۳	۲-۱-۲. ادله حرمت هتک مقدسات در قرآن کریم.....

- ۳-۱-۲. ادله حرمت هتك مقدسات در سنت..... ۶۱
- ۴-۱-۲. بررسی حرمت هتك مقدسات در دليل عقل..... ۶۶
- ۵-۱-۲. بررسی حرمت هتك مقدسات در دليل اجماع..... ۶۷
- ۶-۱-۲. بررسی حرمت هتك مقدسات در ساير ادله فقهی..... ۶۸
- ۷-۱-۲. بررسی ادله احتمالی جواز هتك مقدسات..... ۶۸
- ۸-۱-۲. حوزه عام هنر..... ۷۷
- ۱-۸-۱-۲. ادبیات..... ۸۲
- ۲-۸-۱-۲. کاریکاتور..... ۸۳
- ۹-۱-۲. تشریح..... ۸۶
- ۱۰-۱-۲. جمع بندی ادله حرمت و جواز هتك حرمت..... ۸۸
- ۲-۲. بررسی ساير ادله احتمالی حرمت بازیگری در نقش معصومین..... ۹۰
- ۱-۲-۲. وهن..... ۹۱
- ۳-۲-۲. دروغ بستن به معصومین علیهم السلام..... ۹۲
- ۴-۲-۲. عدم امکان ارائه تصویر واقعی..... ۹۳
- ۵-۲-۲. وحدت مناط با نقاشی، مجسمه سازی و تعزیه پس از فرض حرمت این امور..... ۹۳
- ۶-۲-۲. اولویت نسبت به نقاشی، مجسمه سازی و تعزیه پس از فرض حرمت این امور..... ۹۵
- ۷-۲-۲. وجوب احتیاط..... ۹۵
- ۸-۲-۲. اصالة الحظر..... ۹۶
- ۹-۲-۲. استصحاب عدم جواز..... ۹۷
- ۱۰-۲-۲. حرمت مطلق فیلم سازی..... ۹۷
- ۳-۲. ادله مجوزین..... ۹۸
- ۱-۳-۲. اصالة الاباحه..... ۹۸
- ۲-۳-۲. عمومات تبلیغ دین..... ۱۰۲
- ۴-۲-۳-۲. جمع بندی ادله وجوب تبلیغ دین..... ۱۱۴

فصل سوم: مرجع در تشخیص موضوع هتک و تطبیق مصادیق آن.....	۱۱۷
۱-۳. تشخیص موضوع.....	۱۱۷
۱-۱-۳. موضوع.....	۱۱۹
۲-۱-۳. متعلق.....	۱۲۰
۳-۱-۳. منصب و وظیفه فقیه در دوران غیبت.....	۱۲۱
۲-۲. انواع موضوعات احکام شرعیه.....	۱۲۶
۱-۲-۳. موضوعات مستنبطه از شرع.....	۱۲۶
۲-۲-۳. موضوعات مستنبطه از عرف و لغت.....	۱۲۹
۳-۲-۳. موضوعات صرف.....	۱۳۲
۴-۲-۳. بررسی اندراج هتک ذیل انواع موضوعات.....	۱۳۶
۳-۳. تطبیق موضوع بر مصادیق.....	۱۳۶
۴-۳. نقش عرف در تبیین موضوعات.....	۱۳۸
۵-۳. انواع عرف.....	۱۳۹
۱-۵-۳. عرف عام و خاص.....	۱۳۹
خاتمه: نتیجه گیری نهایی.....	۱۴۴
جمع بندی.....	۱۴۴
نتیجه گیری نهایی.....	۱۴۹
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۵۱
مقالات.....	۱۵۹
منابع اینترنتی.....	۱۶۱

مقدمه

تبیین طرح

شناخت پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان الگوهای انسان کامل برای دیگر انسانها، یک ضرورت در معرفت صحیح دینی به حساب می‌آید. در قرآن کریم که معجزه آخرین پیامبر الهی است علاوه بر بیان کلی قوانین اسلامی و ارائه یک نظام جامع حقوقی به بشریت و بیان سائر نیازهای انسان، به طور گسترده به بیان قصص زندگی پیامبران توجه ویژه‌ای صورت گرفته است تا جایی که سوره‌ها و آیات فراوانی از این کتاب مقدس به حکایت زندگی انبیاء اختصاص یافته است. این امر موجب معرفت مسلمانان به زندگی این بزرگان و در پی آن، منشأ آثار و پیامدهای مثبت و مبارکی گشته است و در مقابل جهل و بی‌خبری از زندگی ایشان موجب محرومیت از الگوی صحیح در زندگی بوده و پیامد ناگوار خود را به همراه دارد. اما آیا امروزه فقط می‌توان در مقابل عطش و اشتیاق فراوان مردم به شناخت زندگی پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام، آنها را صرفاً به خواندن آیات قرآن و یا کتب قصص زندگی انبیاء ارجاع نمود و از معرفی این اولیاء خدا در قالب‌های متعارف و رایج امروزی خودداری نمود؟

در دنیای امروز روش رایج و اثرگذارترین شیوه در معرفی هر شخصیتی تولید فیلم و سریال است، لذا به تصویر کشیدن زندگی معصومین علیهم السلام در قالب فیلم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، ولی این ضرورت به معنای بی‌قید و شرط بودن چگونگی بازنمایی معصومین و مقدسین

نمی‌باشد لذا لازم است راهکارهای صحیح و موثر بازنمایی شخصیت پیامبران و معصومین علیهم السلام در فیلمسازی تبیین گشته و دیدگاه شارع مقدس در مورد این نوع از بازیگری و حدود و شرایط آن، به طور کامل مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. حال از آنجا که این موضوع از مسائل مستحدثه به حساب آمده و نه تنها موضوع بازیگری به شکل امروزی خود در منابع فقه (قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع) وجود نداشته بلکه حکم موضوعات قدیمی تری نیز که به نحوی هم مناط با بازیگری به حساب می‌آیند (مانند تعزیه و تآتر) به طور مستقیم از منابع فقه غیر قابل استفاده اند فلذا لازم است ابتداء با فهم موشکافانه و متکی بر اساس علمی و عرفی از مفهوم بازیگری، راه را برای مراجعه به منابع فقه باز کرد.

به طور مثال مهمترین دلیلی که عده‌ای از فقهاء در فرض تحقق آن، قائل به حرمت به تصویر کشیدن چهره معصومین می‌باشند، هتک حرمت است^۱. حال آیا ایفای نقش معصوم علیه السلام توسط بازیگری که مردم (عرف) او را در دنیای واقعی با خصوصیات ظاهری و باطنی اش می‌شناسند موجب تسری خصوصیات او به معصوم در ذهن مخاطب می‌شود و این مسئله، تنزل مقام معصوم در نظر مخاطب را در پی خواهد داشت؟ و یا اینکه بالعکس واقعیت شناخته شده از معصوم در افکار عمومی با آنچه بوسیله یک بازیگر در یک اثر هنری بازنمایی می‌شود، تفاوت داشته و امکان جداسازی واقعیت، بین تصویر ساخته شده با شخصیت حقیقی معصومین علیهم السلام بطور معمول از سوی مخاطب وجود خواهد داشت.

نکته بسیار مهمی که در مورد عنوان این پایان نامه باید در ابتدا بیان شود این است که چنانچه در طرحنامه این رساله مؤکدا بیان شده و در چند مرحله به تصویب رسیده است مقصود از "تصویرگری" در عنوان رساله نقاشی و نگارگری چهره و یا ساخت مجسه معصومین نمی‌باشد

۱. محمد تقی بهجت، استفتاءات بهجت، چاپ اول، (قم: دفتر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ۱۳۸۳)، ج ۴، ص ۵۳۸ و محمد فاضل لنگرانی، جامع المسائل فارسی، چاپ اول، (قم: انتشارات امیرالعلم، ۱۳۸۳)، ج ۱، ص ۵۸۰ و ناصر مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، چاپ اول، (قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ق)، ج ۱، ص ۱۶۳

بلکه موضوع ذاتی این رساله صرفاً بازیگری در فیلم و سریال و مانند آن می‌باشد هرچند ممکن است در سیر بررسی ادله منع و جواز بازیگری به مناسبت به بررسی حکم نگارگری و مجسمه سازی هم پرداخته شود.

ضرورت طرح

ظهور فناوری‌های مدرن ارتباطی و رشد روزافزون دسترسی به آنها در میان جوامع مختلف توسعه یافته و در حال توسعه سبب شده است این فناوری‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پایه‌گذار تغییر شوند. از آنجایی که دلایل و مدارک فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد، «کارکرد فرهنگی رسانه‌ها، بسیار قوی، گسترده و وسیع است و می‌تواند به صورت کاملاً نامحسوس دیدگاه شهروندان را در موارد خاص و مشخص تغییر دهد.»^۲ لذا ضرورت دارد فیلم و سریال‌هایی که بتواند به معرفی معصومین علیهم السلام پرداخته و به شکل صحیح‌ایشان را به عموم مردم معرفی کند ساخته شود چرا که امروزه چه بخواهیم و چه نخواهیم در داخل و خارج از کشورمان با هزینه‌های بسیار هنگفت چنین فیلم‌هایی ساخته می‌شود لذا لازم است اسلوب صحیح و مستدل شرعی و علمی این مسأله به صورت دقیق و فارغ از هر گونه تعصب مذهبی مورد بررسی قرار گرفته و در دسترس دست اندرکاران رسانه‌ای قرار گیرد.

در چند سال اخیر پرداختن به زندگی پیامبران و ائمه علیهم السلام مورد توجه اهالی سینما و تلویزیون بوده و بطور نمونه سریال‌ها و فیلم‌هایی با نام محمد صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، آخرین سردار، ولایت عشق، روز واقعه، ایوب نبی، مردان آنجلس، معصومیت از دست رفته، یوسف پیامبر علی نبینا و آله و علیه السلام، سلیمان نبی علی نبینا و آله و علیه السلام پیرامون زندگی پیامبران و ائمه علیهم السلام ساخته شده است. این تولیدات بیشترین سرمایه و گسترده ترین مخاطب را جذب کرده است، بطوری که بعنوان نمونه فیلم یوسف پیامبر علی نبینا و آله و علیه

^۲. مهرداد وحدتی، فرهنگ و صنایع فرهنگی، چاپ اول، (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۸)، ص ۹۵.

السلام در پنجاه و دو کشور دنیا نمایش داده شده و سود فروش آن بسیار بیشتر از هزینه آن برآورد شده است. با توجه به این نیاز مخاطب در سطح ملی و جهانی و سرمایه گذاری عظیم رسانه‌ای، لازم است حول مسائل و موضوعات ساخت این فیلم‌ها پژوهش‌های اساسی انجام گیرد. فقه که عهده دار تعیین بایدها و نبایدهای عملی در زندگی انسان هاست، در مورد همه مسائل جدید قدرت پاسخگویی دارد و تغییرات جدید ارتباطی خصوصاً در زمینه رسانه‌ها جزء مسائل جدیدی است که باید پاسخ فقهی آنرا استنباط کرد.

در مورد این تولیدات رسانه‌ای، یکی از مسائلی که از همان ابتدا مورد توجه متدینین قرار گرفته و چالش‌های آن هنوز ادامه دارد، بازیگری در نقش معصومین علیهم السلام و حدود و شرایط آن است. هرچند سالهاست که بازیگری در نقش پیامبران رایج شده اما اختلاف نظر میان مراجع معظم انجام یک پژوهش جامع فقهی با در نظر گرفتن مسائل فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای، پیرامون نمایش معصومین را ضروری می‌نمایاند.

در این پژوهش با اسلوب و روش فقهی و توأم با رویکرد رسانه‌ای و هنری و با استفاده از عرف در تفسیر و تبیین موضوعات دخیل در حکم شرعی، سعی خواهد شد تا حکم مسئله بازیگری در نقش از نگاه فقه امامیه استنباط گردد لذا پروژه حاضر از این جهت کاملاً جدید بوده و بدین شکل در هیچ کجا انجام نشده است.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی تحقیق عبارت است از چیستی حکم فقهی بازیگری در نقش پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام.

و اما سوالات فرعی تحقیق عبارتند از:

۱. چيستی حکم فقهی ساخت و تولید و هرگونه مشارکت کلیه دست اندر کاران (اعم از بازیگر، نویسنده، فیلم نامه نویس، کارگردان، تهیه کننده و...) در فیلمی که مشتمل بر بازنمایی شخصیت پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام باشد.

۲. آیا ملاک در تعریف مفهوم "هتک" و تطبیق مصادیق آن نظر مجتهد است یا مقلد؟

۳. اگر ملاک در تعریف و تطبیق مفهوم و مصداق "هتک" عرف باشد، با توجه به اقسام مختلف عرف کدام یک از آن اقسام در تشخیص "هتک" معتبر می باشد؟

پیشینه تحقیق

بنابر جستجوی به عمل آمده تا کنون تنها تعداد محدودی کتاب، مقاله یا پایان نامه به این پایان نامه موضوع پرداخته اند و لکن جهت بررسی در این تحقیقات از منظر فقه استدلالی و توأم با رویکرد رسانه ای نبوده اند. در این میان برخی صرفاً به جمع آوری نمونه های از بازنمایی شخصیت انبیاء پرداخته اند مانند سیمای پیامبران در سینمای هالیوود و ایران^۳ و یا مسأله را از فقط از یکی از دو زاویه مسایل فقهی یا رسانه ای بررسی کرده اند، که در جنبه فقهی مسئله (مخصوصاً فقه استدلالی) خلأ بیشتری وجود دارد؛ البته می توان ریشه های فقهی مسأله مورد نظر را در لابلای کتب فقهی شیعه یافت که به طور مثال به دو نمونه اشاره می گردد:

۱- بررسی مفهوم "وهن معصومین" که عمده دلیل مانعین مسأله مورد بحث است، در ضمن بیان مسأله "ارتداد" که معمولاً در باب طهارت در کتب فقهی ارائه شده است.

۲- بررسی حکم فقهی نگارگری و مجسه سازی (به طور عموم نه خاص معصومین) که معمولاً در بحث مکاسب محرمة در کتب فقهی ارائه شده است.

^۳. سیده راضیه یاسینی، سیمای پیامبران در سینمای هالیوود و ایران، چاپ اول، (تهران: پژوهشکده فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۳).

هم چنین در این موضوع سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشی با عنوان «خورشید در قاب: پژوهشی پیرامون تصویرگری معصومین در سینما»^۴ به چاپ رسانده است. این پژوهش بدون اجتهاد فقهی و توجه به خصوصیات رسانه، در بحث گره‌گشایی و اثبات جواز تصویرگری معصومین در سینما به صورت گذرا به دلایلی چون اصل برائت، تعظیم شعائر الهی و سپس فتاوای برخی علما و مراجع پیرامون مسئله‌ی تصویرگری معصومین در سینما پرداخته و جواز تصویرگری نقش معصوم در سینما را امری واضح و مورد قبول می‌داند و هر گونه شک و شبهه در این خصوص را بی‌اساس می‌شمارد! پژوهش دیگری که در این زمینه انجام شده پایان نامه کارشناسی ارشد آقای محمد رسولی نمرور در دانشکده صدا و سیما قم می‌باشد که این پایان نامه نیز جنبه فقهی ندارد چرا که تنها در طی دو صفحه (۱۱۹۰ و ۱۲۰) به بررسی هتک پرداخته است که البته این بررسی نیز در حوزه فقه استفتایی می‌باشد، اثر تحقیقی دیگر نیز پایان نامه‌ای با عنوان «بررسی الگوهای شخصیت پردازی معصومین علیهم السلام در فیلم‌ها» از همان دانشکده از آقای علی رضایی آذربایجانی می‌باشد که در این پایان نامه جواز تصویرگری معصومین مسلم انگاشته شده و بیشتر در صدد تبیین نوع الگوی شخصیت و طریقه آفرینش شخصیت‌نمایی (ملودرام، تراژدی و رمانس) معصومین در فیلم‌های ساخته شده تا سال ۸۷ می‌باشد. همچنین مقالاتی در مورد "شخصیت دو پیامبر در خصوص سریال یوسف پیامبر" در مجلات «فقه و هنر» و «کاوشی نو در فقه اسلامی» وجود دارد.

در مجموع می‌توان گفت آنچه در تمام موارد مذکور بدان پرداخته نشده و یا به نتیجه نرسیده است، پژوهشی استوار بر پایه فقه استدلالی و با توجه به خصوصیات رسانه و نقش عرف در تبیین موضوعات فقه رسانه می‌باشد.

^۴. رحمت‌الله امیدوار، خورشید در قاب پژوهشی پیرامون تصویرگری معصومین در سینما، (تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۴)

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱-۱. تعریف مفاهیم

۱-۱-۱. هتک

هتک در لغت به معنی از بین رفتن یا از بین بردن پوشش چیزی و در نتیجه نمایان شدن آن آمده است: «الهِتْكَ: أَنْ تَجْذِبَ سِتْرًا فَتَقْطَعَهُ مِنْ مَوْضِعِهِ أَوْ تَشُقُّ مِنْهُ طَائِفَةً يُرَى مَا وَرَاءَهُ»^۵ و به تعبیر روشن تر هتک به معنی پرده دری و رسوایی است.^۶

اما هتک در اصطلاح در دو معنی به کار می رود؛ یکی به معنای شکستن که بیشتر همراه کلمه «حرز» و گاهی به تنهایی به کار رفته و مقصود از آن شکستن قفل، سوراخ کردن دیوار و مانند اینها می باشد؛ هتک به این معنا در بحث شروط حد سرقت در کتاب حدود به کار برده می شود^۷ و معنای دیگر اصلاحی آن عبارتست از توهین و بی احترامی نسبت به شخص یا چیزی.

۵. ابن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق)، ج ۱۰، ص ۵۰۲ و خلیل بن احمد فراهیدی، العین، چاپ دوم، (قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق)، ج ۳، ص ۳۷۴ و اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، چاپ اول، (بیروت: دار العلم، ۱۴۱۰ق)، ج ۴، ص ۱۶۱۶

۶. احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، چاپ سوم، (تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۲)، ج ۱، ص ۶۹۸

۷. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، چاپ هفتم، (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۱ق)، ج ۴۱، ص: ۴۸۶

در کتب فقهی مواردی که هتک در معنای اخیر به کار رفته فراوان است؛ هتک حرمت میت^۸، هتک حرمت مقدوف^۹، هتک حرمت مسجد(اعم از تنجیس، ورود کفار، داخل شدن حائض و جنب و...) برخی از این مواردند.

علیرغم این استعمالات فراوان بنابر جستجوی به عمل آمده تعریف مشخصی از این اصطلاح در آثار فقهی ارائه نشده است؛ احتمال دارد کسی فکر کند که هتک در کلیه این موارد در معنای لغوی خود به کار رفته است و به همین خاطر تعریفی از آن ارائه نشده است ولی با دقت در معنای لغوی هتک این توجیه پذیرفته نیست.

برای روشن شدن بهتر معنای اصطلاحی اخیر از آنجا که هر دو معنای اصطلاحی هتک علاوه بر فقه از اصلاحات علم حقوق هم می‌باشند در ادامه تعاریف حقوقی ارائه می‌شود:

« هتک حرمت عبارت است از یک فعلی که با هدف تنزل ارزش واقعی یک فرد در میان جامعه موجب لطمه به حیثیت و آبروی آن فرد می‌شود. حرمت آبرو و حیثیت معنوی اشخاص یکی از قواعد اخلاقی، مذهبی و حقوقی در تمام کشورهای جهان است.»^{۱۰}

«هتک حرمت اشخاص در نتیجه گفتارهای شفاهی یا کتبی است که موجب لطمه بر حسن شهرت اشخاص در افکار عمومی یا خدشه دار کردن حیثیت، احترام یا اعتمادی که دیگران برای فرد قایل هستند می‌شود.»^{۱۱}

۸. امام خمینی، تحریر الوسیله، چاپ اول، (قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا)، ج ۱، ص: ۷۱

۹. همان، ج ۲، ص: ۴۷۳

۱۰. حسین صادقی، مسوولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک، چاپ اول، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸)، ص ۷۶

۱۱. باقر انصاری، "حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام تطبیقی و ایران"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶،

سال ۱۳۸۳

هر چند در تعاریف حقوقی فوق مفهوم هتک به محوریت هتک حرمت اشخاص توضیح داده شده ولی در حقوق اسلامی هتک مقدسات هم مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است.^{۱۲}

در اصطلاح فقهی هم هتک حرمت شامل هتک حرمت افراد مسلمان حتی اگر از دنیا رفته باشند^{۱۳} و همچنین مقدسات اسلامی است: «هتک احترام و اهانت کردن به مقدسات و محترمات دینی یعنی آنچه لزوم احترامش در دین امر بدیهی باشد. مانند قرآن مجید، کعبه معظمه، مساجد، مشاهد مشرفه حتی تربت حسینی علیه السلام گناه کبیره خواهد بود.»

۱-۱-۲. وهن

وهن در لغت به معنای سستی کردن در کار و سست گردیدن و یا سستی در ویژگیهای جسمانی و اخلاقی، اطلاق می گردد: «الوهن ضعف من حیث الخلق أو الخلق»^{۱۴} در قرآن کریم هم در همین معانی به کار رفته است. «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي»^{۱۵}، «فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ»^{۱۶}، «وَهَنَّا عَلَى وَهْنٍ»^{۱۷}، «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ»^{۱۸}، «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا»^{۱۹} و «ذَالِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ»^{۲۰} و وهن پیامبر یا امام به ضعف در مقام و جایگاه ایشان گفته می شود.^{۲۱}

^{۱۲} ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی

^{۱۳} امام خمینی، تحریر الوسیله، چاپ اول، (قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا)، ج ۱، ص: ۷۱

^{۱۴} حسین بن محمد (راغب اصفهانی)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، (بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق)، ص ۸۷۷

^{۱۵} سوره مریم آیه ۴

^{۱۶} سوره آل عمران آیه ۱۴۶

^{۱۷} سوره لقمان آیه ۱۴

^{۱۸} سوره نساء آیه ۱۰۴

^{۱۹} سوره آل عمران آیه ۱۳۹

^{۲۰} سوره انفال، آیه ۱۸

^{۲۱} حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸)، ج ۱۳، ص ۲۱۴

۱-۱-۳. تصویرگری

تصویرگری به معنای ایجاد تصویر است و به تعبیر دیگر به بازنمایی شیء یا شخصیت اطلاق می گردد.^{۲۲} تصویر و بازنمایی خود قالب های مختلفی از قبیل ، نقاشی ، مجسمه سازی ، تئاتر ، عروسک گردانی ، انیمیشن و فیلم دارد که هر چند برخی از این قالب ها جدید می باشند ولی اطلاق تصویر بر آنها مجازی و خارج از معنای موضوع له تصویر نیست چرا که تصویر برای هر آنچه که اعیان خارجی را حکایت کند وضع شده^{۲۳} و همه قالب های مذکور این جنبه حکایت گری را دارند.

اگر کسی ادعا کند که تصویر صرفا به نقاشی که فاقد حجم است اطلاق می گردد، کمترین مراجعه به کتب لغت و تتبع استعمالات ماده «صور» این ادعا را باطل می کند. «تصویر: صورت دادن و شکل دادن می باشد. «وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ»^{۲۴} (شما را تصویر کرد و شکلهایتان را نیکو قرار داد)^{۲۵} لذا منظور از تصویر کردن انسان، جعل ماهیت صرف نیست بلکه ایجاد صورت در ماده و جسم انسان است چنانچه در آیه دیگر می فرماید: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ»^{۲۶} (او کسی است که تصویر شما را در رحم ها به آن شکل که خواست ایجاد کرد) در کتب فقهی هم هر گاه حکم تصویر طرح شده است فقهاء علاوه بر بحث از نقاشی به بررسی حکم مجسمه سازی نیز پرداخته اند.^{۲۷}

اصطلاح دیگری که در این بحث در روایات آمده و در کتب فقهی نیز بدان پرداخته اند «تمثال» است که تعریف معنای آن و تبیین رابطه تمثال با تصویر در بین اهل لغت و فقهاء معرکه آراء است؛ برخی از اهل لغت و فقهاء تمثال و تصویر را هم معنا دانسته و متقابلا به یکدیگر تعریف کرده اند: «التمثال: تصویر الشیء كأنه تنظر إليه»^{۲۸}

۲۲. جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، چاپ سوم، (قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم: ۱۳۷۶)، ص ۴۷

۲۳. حسین بن محمد (راغب اصفهانی)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، (بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق)، ص ۴۹۷

۲۴. سوره غافر، آیه ۶۴

۲۵. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، چاپ ششم، (تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق)، ج ۴، ص: ۱۶۲

۲۶. سوره آل عمران، آیه ۶

۲۷. شیخ مرتضی انصاری، المکاسب، چاپ اول، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق)، ج ۱، ص ۱۸۳

۲۸. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، چاپ دوم، (قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ ق)، ج ۸، ص ۲۲۹

«التصاویر: التمثیل»^{۲۹}

«التمثال: الصورة، و الجمع التمثیل»^{۳۰}

بسیاری از فقها هم به تبع لغویون این دو کلمه را مترادف دانسته اند به طور مثال صاحب جواهر در توضیح روایت «لا تدخل الملائكة بيتا فيه تماثيل أو تصاویر» می فرماید: «و أما قولهم تکره التصاویر و التماثيل فالعطف للبيان»^{۳۱}

قول دوم در این رابطه اعم بودن تصویر از تمثال و اختصاص تمثال به جانداران است؛ علامه مجلسی این قول را از برخی اهل لغت نقل کرده اند: «قال الْمُطَرِّزِي فِي الْمَغْرِب: التمثال ما تصنعه وتصوره مُشَبَّهاً بخلق الله من ذوات الروح. والصورة عام»^{۳۲}

سومین نظر نیز اعم بودن تصویر از تمثال است با این تفاوت که تمثال را مختص به تصویر دارای ابعاد (مجسمه) می داند: «أما ما اشتمل من الأخبار على لفظ المثل و التمثال فالظاهر منها هي المجسمة فإن ظاهر لفظ المثل هو هذا إذ المثل الحقيقي ما كان مثالا للشيء من كل الجهات و الجوانب لا ما كان مثالا له من جانب واحد و هذا لا يكون إلا في المجسمة فإن فيها يفرض مثال الجهات الست فكانت الصورة أعم من المثل»^{۳۳}

نظر چهارم اینست که رابطه این دو مفهوم عموم و خصوص من وجه است: «ثم لا يخفى عليك أنه بعد ملاحظة استعمال كل واحد منهما فيما يعم الآخر»^{۳۴} مرحوم شهیدی شارح مکاسب بعد از بیان این نظریه می نویسد که این دو لفظ گاهی به جای یکدیگر هم استفاده می شوند: «و في الأخبار يعلم أن الصورة و التمثال كالفقير و المسكين إذا اجتماعا افترقا و إذا افترقا اجتماعا فلاحظ الأخبار المروية عن الأئمة الأطهار عليهم سلام الله تجد ما ذكرنا حقيقة بالتصديق»^{۳۵}

۲۹. سید محمد زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق)، ج ۷، ص ۱۱۴

۳۰. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، چاپ اول، (بیروت: دار العلم، ۱۴۱۰ ق)، ج ۵، ص ۱۸۱۶

۳۱. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، چاپ هفتم، (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۱ ق)، ج ۸، ص ۳۸۳

۳۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، چاپ اول، (بیروت: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق)، ج ۸۳، صفحات ۲۴۳ تا ۲۴۵.

۳۳. علی ایروانی نجفی، حاشیه مکاسب، چاپ اول، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ ق)، ج ۱، ص ۲۰

۳۴. میرزا فتاح شهیدی تبریزی، هدایة الطالب إلى أسرار المكاسب، چاپ اول، (تبریز: اطلاعات، ۱۳۷۵ ق)، ج ۱، ص ۴۰

۳۵. همان